

«۲۵۰ قبل از میلاد - ۲۲۶ بعد از میلاد»

هنرها در عصر اشکانیان مانند دیگر ادوار دو شکل متفاوت داشته‌اند:

- ۱- هنر اشراف (درباری-خواص)
- ۲- هنر عوام (مردم-روستایی)

در این زمان نیایش‌ها و آوازهای مذهبی مانند ادوار گذشته همچنان اجرا می‌گردیده ولی موسیقی نشاط انگیز از نظر درونه یا محتوا، دو شکل متفاوت در بین طبقات اجتماعی دارا بوده است.

### ۱- هنر اشرافی (درباری-خواص)

بعلت تسلط و حکومت سلوکیان در سالیانی متمادی بر ایران، اندیشه دربار از فرهنگ نیروی غالب (یونان) متأثر بود. این سلسله دستاورد حمله اسکندر مقدونی به ایران و حکومت جانشینان او در سالیانی طولانی بر ایران بود. تا اینکه در سال ۲۵۰ قبل از میلاد، سلسله سلوکیه به دست «اشک» رهبر قوم پارت (ساکن شمال شرقی ایران از خراسان کنونی تا دریای خزر و رشته کوه البرز) و موسس دولت اشکانی، سقوط کرد.

بعلت نفوذ اندیشه یونانی در دربار و وابستگی اشراف به طبقه حاکمه و تقلید و پیروی از آنان، اثرات فرهنگ یونانی پس از سقوط سلسله سلوکیه، هنوز پابرجاست و عوارض آن مشهود است.

چنانکه «پلوتارک» در شرح مراسم جشنی که در دربار اشکانیان برگزار شده بود چنین می‌نویسد: ... در این جشن باشکوه، برای سرگرمی شاه و مهمانان، خنیاگران مشغول خواندن سرودها و ترانه‌ها و اجرای نمایشنامه‌ها به زبان یونانی بودند. پادشاهان سلسله اشکانی نیز خود را فیل هلن **Filhelen** یا دوست یونانیان می‌نامیدند و از فرهنگ هلنی مایه می‌گرفتند.

### ۲- هنر عوام (مردم-روستایی)

هنر مردم بدور از مایه‌های درباری و اشرافی بود و نفوذ کمتری از فرهنگ و اندیشه یونانی در آن دیده می‌شد. ولی طبیعتاً بدلیل غالب بودن اندیشه‌ی طبقه اشراف و تسلط آنان بر عوام، از هنر مردم کمتر نشانه‌ای یافت می‌شود و یا به عبارتی دیگر، هنر عوام در خدمت اندیشه اشراف بکار گرفته شده است و اندیشه‌های اشراف است که آثار آن را باز می‌یابیم و بر مبنای این آثار کنکاش در تمدن‌های کهن می‌شود. ناگفته نماند در بعضی مقاطع نیز اندیشه‌های خواص یا اشراف به علل گوناگون به اندیشه عوام نزدیک شده است و تا بیار نشستن نتایجی با هم همراه بوده‌اند. هنر عوام با اینکه ساده و بی‌پیرایه است ولی دارای محتوای پرشور و زنده‌ای می‌باشد و چون بیان مشخصی از فرد خاصی نیست، در طول زمان اندوخته گرانبهایی برای استفاده از هنرمندان خواص نیز بوده است.

در این زمان شکلی از موسیقی رایج می‌گردد که در آن روح حماسی نیز دیده می‌شد. خنیاگران و حماسه سرایان که ریشه در زمانهای کهن تری داشتند و بدیهه سرایانی بی‌پروا بودند، سرود و ترانه خوانی را با افسانه‌های پهلوانی در آمیخته و اعتباری دیگر به موسیقی دادند. این سرود و ترانه خوانی را گاسان می‌گفته‌اند، و این واژه از گاتها که کهن‌ترین و مقدس‌ترین قسمت اوستا می‌باشد برگرفته شده است.

هنر عوام که بخش مهمی از آن هنر روستائی است، مانند دیگر آثار فرهنگ عوام در تاریخ‌های رسمی هنر جایگهی ندارد. بدیهی است که اندیشه هر طبقه عاملی خواهد بود برای نگاهداری دستاوردهای آن طبقه، و بر ویژگیهای آن طبقه منطبق است. ولی در بیشتر جوامع بعلت نفوذ اندیشه اشراف بر طبقه عوام عناصری از اندیشه خواص خود را بر اندیشه عوام تحمیل کرده است. از این روی نیز آثاری که از دوره اشکانیان در زمینه‌های مختلف مانند دیگر ادوار بجای مانده، از آثار اشراف (خواص) بوده و از هنر مردم اثری بر جای نیست و بعلت نفوذ تمدن یونانیان از زمان سلسله سلوکیه، نشانه‌های ویژه‌ای از آمیخته‌گی فرهنگی در آثار این دوره به چشم می‌خورد و در واقع اولین تاثیر پذیری در فرهنگ و هنر و دیگر بنیادهای اجتماعی، از این زمان آغاز گردید.

\* سری مقالاتی که در مورد موسیقی از نظر تان می‌گذرد از کتاب موسیقی ایرانی از نگاهی دیگر، نوشته داریوش افراسیابی است.

## هخامنشیان

پس از یک دوره آرامش نسبی، شعر و موسیقی در زمان هخامنشیان به میان مردم راه می‌یابد و رنگ مردمی بخود می‌گیرد و از معابد به میان مردم می‌رود و برای نخستین بار بود که دیگر گفتارها از آتشکده‌ها و پرستش خدایان نبود، بلکه مردم بودند که موسیقی می‌ساختند و ترانه می‌سرودند.

موسیقی را در این دوره می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- ۱- موسیقی مذهبی
- ۲- موسیقی حماسی و رزمی
- ۳- موسیقی نشاط انگیز

### ۱- موسیقی مذهبی

**Hordot** (۳۳۵-۴۳۰) قبل از میلاد در مورد سرودهای مذهبی هخامنشیان چنین می‌گوید: ایرانیان برای قربانی در راه ایزد و مقدساتی که می‌پرستیدند، کشتارگاه یا آتشکده ندارند و بر گورهای مردگان شراب نمی‌پاشند. ولی یکی از پیشوایان مذهبی حاضر می‌شود و یک سرود مذهبی می‌خواند.

از طرفی دیگر جالب توجه است که هیچکدام از شاهان هخامنشی ذکری از نام پیامبر ایرانی اشوزردشت در سنگ نبشته‌ها به میان نیاورده‌اند و زبان اوستائی گات‌ها با فرس باستان هخامنشی هیچگونه شباهتی ندارد. بهر روی چه مذهب هخامنشیان زرتشتی بوده یا نبوده باشد، طبیعی است که ایرانیان آن زمان به آسانی نمی‌توانسته‌اند تمامی میراث مادها و تمدن‌های کهن‌تر از مادها را که به آنان رسیده بود، به هنگام تشکیل سلسله هخامنشی فراموش کنند. بهمین دلیل می‌توان گفت که در مراسم مذهبی، و نوع ترانه‌های مذهبی و سرودهای مقدس این زمان شباهت و نزدیکی زیادی به آنچه که قبلاً بوده، یعنی مراسم مذهبی زرتشتی داشته است. حتی به گواه دیگر تاریخ نویسان، ما شاهد بجای آوردن مراسم مذهبی زرتشتی تا سقوط سلسله ساسانیان هستیم.

از طرفی دیگر اگر هم مدارکی باقی مانده بود که بتواند ما را از کم و کیف این امور زمینه‌ای به دست دهد با از بین رفتن کتابخانه معظیم شاهی در تخت جمشید بدست اسکندر و در اثر حملات اعراب و هجوم مغول به این سرزمین، امروز چیزی در دست نیست که بتوان به آن استناد نمود.

### ۲- موسیقی و سرودهای رزمی و حماسی

برای تقویت روحی و معنوی و ایجاد روحیه میهن پرستی به کار می‌رفته است. چنانکه گزنفون (۳۵۸-۴۳۰ ق-م) در سیروپدیا در مورد خصال کوروش می‌نویسد: کوروش بنا به عادت‌ی که داشت به هنگام حمله به ارتش آسور، سرودی آغاز کرد و سپاهیان وی با صدای بلند آن را ادامه دادند، و پس از پایان سرود سربازان با قدمهای مساوی براه افتادند. گزنفون، در باب جنگ کوروش با پادشاه لیدی به نام کرزوس نوشته است:

(کوروش به گونه‌ای از کشته شدن سربازان طبری و طالشی مغوم و افسرده گردید که بعد از جنگ و سقوط آن شهر، برای مرگ سربازان مازندرانی و طالشی سرود عزا ترنم کرد، و این همان سرود است که در ادوار بعد، به اسم سرود مرگ سیاوش خوانده شده و ایرانیان در هر عزای بزرگی آن سرود را ترنم می‌کردند.)

### ۳- ترانه‌های بزمی (نشاط انگیز):

گزنفون می‌نویسد: ایرانیان زمان هخامنشی علاوه بر موسیقی مذهبی و جنگی به منظور سرگرمی، بعد از فراغت از کار، به نوعی موسیقی نشاط انگیز روی می‌آورده‌اند. متأسفانه اطلاعات موجود در مورد هنرهای زمان هخامنشیان بیشتر مربوط به آثار مورخین یونانی بوده، و آگاهی در مورد تمدن سلسله مادها و پیش از آن در مورد موسیقی، بیشتر به سنگ نبشته و مسکوکات و ظروف سفالین محدود می‌گردد. و در خور توجه است که در آثار باقیمانده از این دوران، رقص‌های دسته جمعی و گروه نوازندگی که به تصویر کشیده شده‌اند، می‌توان مشاهده کرد. و این آثار، حاوی اشکال مختلفی از سازهای بادی و زهی و ضربه‌ای معمول موسیقی آن دوره می‌باشند. با بررسی آثار این دوره (هخامنشیان) و تمدنهای کهن‌تر از این زمان می‌توان استنباط کرد که سیر هنر، بنا به روند اجتماعی خود دربرگیرنده اجراهای متفاوتی از نظر محتوا بوده است، و موسیقی‌های مذهبی یا رزمی و نشاط انگیز، بیان خاص خود را داشته‌اند و همنازی نیز از روشهای متداول اجرای موسیقی بوده است. کار گروهی طبیعتاً در درون خود انضباط را طلب می‌کند و اجرای موسیقی گروهی در این زمان نشان دهنده ساختار هنری پیشرفته و شکل یافته ایست که زمینه رشد ادوار بعدی را با خود به همراه داشت.

\*\*\*